

## آثار فکری گولنیسم و جنبش نور در سیاست و حکومت ترکیه

حشمت‌اله فلاحت پیشه\* - صفر ولدبیگی\*\*

(دریافت: ۹۲/۱۰/۱۵ پذیرش: ۹۳/۴/۴)

### چکیده

جنبش "گولن" در ترکیه‌ی نوین، امروزه به عنوان یکی از جریان‌های مهم فکری در دو حوزه‌ی "اسلام مدنی" و "اسلام سیاسی" در آن کشور، و منطقه‌ی خاورمیانه شناخته شده است. این جنبش، درصدد بهبود اوضاع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه‌ی ترکیه با استفاده از تفسیر رابطه‌ای توأم با مدارا میان دین و سیاست، اقتصاد ملی و الگوی اسلام لیبرال در عرصه‌های سیاسی و مدیریتی با تأکید بر کار فرهنگی است. طرفداران گولن که خود را به واسطه‌ی او وارث افکار «بدیع‌الزمان شیخ سعید نوری» می‌دانند، معتقدند که الگوی سیاسی، فکری آن‌ها پاسخگویی نیازهای عمده‌ی زمانه؛ هم‌چون «وحدت»، «عدالت» و «توسعه» می‌باشد و مسائل و اختلافات مزمنی؛ مانند «موضوع کردی» و همزیستی دوازده استان کردنشین ترکیه با ترک‌ها نیز در قالب تعالیم نوری و گولن قابل حل می‌باشد. در عرصه‌ی خارجی نیز، وحدت در دنیای اسلام، بخشی از تعالیم این جنبش است. آموزش فرهنگی و سیاسی بخشی از اصول جنبش به شمار می‌آید که هدف آن، تربیت نسل جدیدی است که بتواند با حداکثر استفاده از فرصت‌های موجود و با اتحاد و آگاهی معنوی در مسیر توسعه‌ی کشور گام بردارد. بازخوانی بنیادهای فکری و اهداف سیاسی این جنبش از آن رو مهم است که نمی‌توان میزان تأثیر گولن در اعتقادات و نظرات سیاسی مقامات گذشته و حال ترکیه مانند «احمد داوود اغلو»، «رجب

\* استادیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده‌ی مسئول)

Email: drfalahatpisheh@yahoo.com

\*\* کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

طیب اردوغان» و «عبدالله گُل» را انکار کرد. سیاست و مواضع داخلی و بین‌المللی ترک‌ها در سه دهه‌ی اخیر از این رهبر فکری و معنوی و جنبش فراگیر او متأثر بوده است. از دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی به بعد تمامی نخست وزیران و رؤسای جمهور ترکیه هر یک به نحوی در صدد برقراری ارتباط حسنه با «فتح‌اله گولن» و جنبش او، «گولنیسم» برآمده‌اند یا این‌که با توجه به نفوذ معنوی و اجتماعی آن، در راه فعالیت‌های دینی و آموزشی این جریان مانع تراشی ننموده‌اند. این نفوذ معنوی و اجتماعی، در تحولات مختلف کشور ترکیه، مولفه‌های سیاسی خود را بروز می‌دهد.

واژگان کلیدی: بدیع‌الزمان نورسی، گولن، حزب عدالت و توسعه، جنبش نور، وحدت اسلامی، مسأله‌ی کردی.

#### مقدمه

در بهار سال گذشته رهبران شبه نظامی گروه افراطی «النصره» در سوریه خود را «شاخه‌ی شامی» این گروه معرفی کردند. و اعلام نمودند که "شاخه‌ی عثمانی" آن فعالیت خود را علیه دولت ترکیه آغاز می‌کند. آن‌ها مدعی احیای آرمان‌های سرزمین‌های اسلامی با احیای امپراطوری عثمانی هستند.

اعلام موجودیت این گروه خشن که با یک‌سری اقدامات انتحاری در داخل خاک ترکیه همراه شد، منتقدان لائیک دولت تحت حاکمیت حزب «عدالت و توسعه» را به نقد سیاست‌های دولت ترکیه واداشت. آن‌ها معتقدند که این حزب اسلامی با سیاست‌های اشتباه و افراطی خود، خطوط گسل ترکیه را در امتداد چالش‌های منطقه‌ای هم‌چون بحران سوریه فعال کرده است.

از طرفی دیگر در میان برخی از نخبگان سیاسی و فکری ترکیه موضوع انحراف از تعالیم آباء احزاب اسلام‌گرای «رفاه» و «عدالت و توسعه» مطرح گردید. آن‌ها با نقد سیاست‌های افراطی دولت «رجب طیب اردوغان»، معتقدند سیاست سرکوب داخلی و مداخله‌ی خارجی هم‌سو با جریان‌های رادیکال اسلامی در خارج، عدول از نسخه‌ی اسلام اعتدالی است و لذا باید دوباره به تعالیم جنبش گولن و به واسطه‌ی او به افکار عقلی و ایمانی و راهکارهای مؤمنانه‌ی شیخ «سعید نورسی» بازگشت. نوسانات اخیر در رابطه‌ی دولت با گولنیست‌ها و اعلام رسمی شکست این ائتلاف نانوشته، ترکیه را دچار چالش کرده است. رسوایی مالی شماری از دولت‌مردان، بازداشت وابستگان به گولن در دستگاه‌های امنیتی و جنگ قدرتی که انتخابات

سال جدید ترکیه را متأثر ساخت، می‌تواند ضربه‌ای اساسی به دولت اسلام‌گرای لیبرالی وارد نماید که در طول یک دهه‌ی گذشته حاکم بدون منازعه‌ی جدی ترکیه بوده است. در عین حال شکاف و نوسان در دل یک ایدئولوژی اسلامی که داعیه‌ی «حکمرانی خوب» را در یک کشور اسلامی پرورانده بود، در تحلیل تحولات مختلف داخل و خارج ترکیه از نقشی غیر قابل انکار برخوردار خواهد بود.

مقاله‌ی حاضر با استفاده از روش تحلیل تاریخی اندیشه‌های دینی و سیاسی رهبران جنبش نور، اثر متقابل اندیشه‌ها و حوزه‌ی عمل اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی ترکیه را بررسی کرده و در این رابطه نقش و جایگاه جنبش نور را از زمان شیخ سعید نوری تا رهبر زنده‌ی امروز آن، فتح‌الله گولن مورد توجه قرار می‌دهد.

گولنیسم از دل دعوای سنتی دو گرایش غالب و رقیب در تحولات ترکیه نوین شکل گرفت. چالش پایان‌ناپذیر «کمالیست»ها و «اسلامیست»ها که به اعتقاد «باربارا وایت» با استفاده از اهداف و شعارهای روز دنیا جهت بسیج سیاسی مردم ترک زبان ترکیه و حوزه‌ی عثمانی سابق در راستای برنامه‌های سیاسی خود صورت می‌گیرد. کمالیست‌ها یا وارثان سیاسی و فکری "کمال آتاتورک" معتقد به حاکمیت دولتی قوی و در عین حال متأثر از ارزش‌های لیبرالیسم غربی، نظام سیاسی لائیک با محدودسازی رفتارهای مذهبی حتی در حوزه‌های اجتماعی و سبک زندگی هستند. آن‌ها خود را «مدرن»، «آزاد اندیش»، «سکولار» و «فردگرا» معرفی کرده و در مقابل؛ اسلام‌گرایان را فارغ از تنوعات فکری آن‌ها در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، "سنتی"، "اقتدارگرا"، "مذهب‌محور" و "جمع‌گرا" توصیف می‌نمایند (Barbara White, 2002, PP 30,32).

با این وجود هر دو جریان لائیک و دینی در کلیات برخی امور هم‌چون نگاه غیر تقابلی به شاخص‌های جهانی شدن، پیشبرد دموکراتیک اهداف سیاسی و فرهنگی و احساس وظیفه در قبال اهداف و آرمان‌های جامعه، هم‌چون پایان دادن به چالش‌های سیاسی و قومی داخلی، توسعه‌ی پایدار، گسترش نفوذ منطقه‌ای و پیوستن به اتحادیه‌ی اروپایی اشتراک نظر دارند. البته مسائل فوق در درون هاله‌ای از دلتنگی برای احیای اقتدار "امپراطوری عثمانی" شکل می‌گیرد که کمالیست‌ها با رویکردی «قدرت‌محور» و اسلامیست‌ها با نگاهی "ایدئولوژیک" آن را دنبال می‌کنند. بعد از ناکامی‌های لائیک‌ها در پیشبرد اهداف ملی فوق، اسلام‌گرایان میانه‌رو با ارائه‌ی الگویی تلفیقی از ارزش‌های لیبرالی و دینی زمام حکومت ترکیه را در دست گرفتند. گولنیسم، امکان چنین تلفیقی را فراهم کرد.

در دو دهه‌ی اخیر، هم‌پوشانی اهداف و آرمان‌های سیاست‌مداران حزب عدالت و توسعه و سلف آن، حزب اسلامی رفاه، زمینه‌ی مساعدی را برای تحقق برنامه‌های ابداعی گولنیست‌ها و نورجی‌ها فراهم آورده بود. همزیستی «سنت» و «مدرنیسم»، «عقل» و «شرع»، «علم» و «دین»، «دین» و «دولت»، دفاع مبتنی بر «اخلاق دینی» از برخی اصول لیبرالیستی هم‌چون، «مدارا» و «تساهل»، «دموکراسی» و دخالت «مؤمنانه» برای حل مشکلاتی هم‌چون «عدم وحدت در جهان اسلام» و «مسأله‌ی کردی»، از جمله ابداعات وارثان فکری بدیع‌الزمان در ترکیه‌ی امروز به شمار می‌آید.

این تحقیق به دنبال بررسی آثار فکری «گولنیسم» در تحولات یک دهه‌ی اخیر ترکیه و مناطق مرتبط با آن دسته از مداخلات بیرونی است که دولت ترکیه در سایه‌ی آموزه‌های آن جنبش صورت داده است. ائتلاف به تدریج عیان شده‌ای که بعد از حدود یک دهه، زمانی جنبه‌های اساسی آن آشکار می‌شود که از درون دچار اختلاف شده است. و تحلیل‌گران از روی خطوط گسل شکل گرفته، پیوندهای گذشته و آثار عملی و سیاسی آن را تحلیل می‌نمایند.

فرضیه‌ی اصلی این است که جنبش نور در ارتباط با تحولات داخل و مقتضیات خارجی جامعه‌ی ترکیه، از حوزه‌ی فردی به حوزه‌ی مدنی و سپس حوزه‌ی سیاسی گسترش یافته است. و در شرایط کنونی تداوم اختلافات میان دو حوزه‌ی مدنی و سیاسی، می‌تواند به تضعیف جریانی در ترکیه منجر شود که تحت عنوان «اسلام آناتولی» معروف شده است.

جنبش گولنیسم در قبال تحولات «همگرایانه» یک دهه‌ی اخیر ترکیه و فراتر از آن تحت عنوان یک «ایدئولوژی» عمل کرده است. و بنابراین در شرایط مواجه شدن با تنش داخلی، آثار «واگرایانه» آن محتوم خواهد بود. شکاف در حوزه‌ی سیاسی - مدیریتی کشور ترکیه و سردرگمی ترک‌ها در حوزه‌ی سیاست خارجی بویژه در مناطقی که حوزه‌ی نفوذ و حضور «اسلام آناتولی» به شمار می‌رود، از جمله این تحولات خواهد بود.

فتح‌الله گولن و طرفدارانش در استدلال‌های سیاسی و دینی جنبش خود به گفتار و آثار نورسی رجوع می‌کنند تا در جامعه‌ی سیاسی و دینی مشروعیت و مقبولیت بیشتری کسب نمایند. «فتح‌الله گولن» و گولنیست‌ها<sup>۱</sup>، در بنیان آرا و اندیشه‌ها و اتخاذ مواضع فکری و عملی

۱. گولنیست‌ها یا پیروان فتح‌الله گولن، بیش از چهار و نیم میلیون نفر برآورد می‌شوند. این تعداد افراد کسانی هستند که در قالب شبکه‌ی گسترده‌ی فرهنگی و آموزشی در ترکیه فعالیت می‌کنند و در فضای مجازی با رهبریت

خود در حوزه‌های زمانی تحت تأثیر و نفوذ شدید شخصیت و نوشته‌های سعید نوری می‌باشند و سایه‌ی این تأثیر همیشه بر جنبش سنگینی نموده و نفوذ ژرف آن در جنبش ادامه خواهد داشت. گولن و گولنیست‌ها به تبعیت و در راستای افکار نوری به اصول زیر معتقدند:

### پیوند "عقل و ایمان" در الگوی فکری و رفتاری شیخ سعید نوری

"بدیع‌الزمان شیخ سعید نوری" در سال ۱۸۷۶ میلادی در یکی از روستاهای کردنشین ترکیه به نام «نورس» از توابع استان «بتلیس» به دنیا آمد. او علوم مقدماتی و دینی را نزد علمای دینی بزرگ گُرد فراگرفت و سپس در جهت تعمیق و تکمیل طرح فکری خود یعنی «پیوند عقل و ایمان» به فراگیری علوم جدید هم‌چون فلسفه، ریاضی، فیزیک و شیمی روی آورد. آشنایی و تسلط زود هنگام او بر علوم دینی از یک طرف و معارف مدرن زمانه از سوی دیگر، این متفکر را صاحب لقب «بدیع‌الزمان» گردانید. نوری با فهم و تحلیل رویدادهای جاری و آگاهی نسبت به مسایل پیرامونی، به این نتیجه رسیده بود که تعصب اروپائیان علیه اسلام یک واقعیت است. او نشانه‌های زوال امپراطوری عثمانی را می‌دید و از ضعف، تفرقه و عقب‌ماندگی روزافزون دنیای اسلام در مقابل آن فرهنگ و سیاست مهاجم آگاه بود. افکار نوری حاصل چنین زندگی و زمانه‌ای بود (یاووز، ۱۳۹۲، ۲۲۱).

نوری در سال ۱۹۰۷ میلادی در تلاش برای به هم رسانیدن علوم طبیعی با تعالیم اسلامی، با سلطان «عبدالحمید» دوّم ملاقات نمود تا حمایت وی را برای ایجاد دانشگاهی در کردستان ترکیه در شهر «وان» به دست بیاورد. اما سلطان طرح او برای آشتی دادن علوم عقلی با تفکر اسلامی را رد کرد. عدم استقبال سلطان از بدعت فکری بدیع‌الزمان قابل پیش‌بینی بود. نوری منتقد جدی استفاده ابزاری سلطان عبدالحمید دوّم از دین و اسلام تقلیل یافته به «ایدئولوژی دولت» بود. و این موضع فکری و سیاسی خود را پنهان نمی‌کرد (موکسی: ۱۳۹۱، ۶۸).

او سرانجام به گروه ترک‌های جوان ملحق و فعالانه در جنبش اصلاحات قانون اساسی شرکت جست و کمیته‌ی انقلاب «ترک‌های جوان» با عنوان جنبش «اتحاد و ترقی»<sup>۱</sup> را یاری کرد. هدف آن‌ها استقرار دولت مشروطه بود.

جنبش ارتباط دارند. این شبکه در شرایط سیاسی خاص هم‌چون زمان انتخابات، کارویژه سیاسی پیدا می‌کند. این مشخصه‌های «نظم» و «فراگیری»، جنبش گولنیسم را به یکی از جنبش‌های قوی خاورمیانه تبدیل کرده است.

1. CUP

نورسی به سرعت به یکی از منتقدان جسور سیاست‌های سرکوب‌گرایانه‌ی جنبش اتحاد و ترقی تبدیل شد و متقاعد گردید که تعهد او به مفاهیم آزادی فردی و مشروطه در تضاد با بهره‌برداری جنبش از اسلام و ناسیونالیسم ترکی می‌باشد. دموکراسی و آزادی به عنوان شرایط الزامی برای وجود جامعه‌ای عدالت محور مورد مذاقه و ملاحظه‌ی نورسی بوده است. او طی مسافرتی به دمشق به اظهارات جدل‌آمیزی در مسجد بزرگ اموی در حمایت از مشروطه و اصلاحات اسلامی پرداخت (ح‌ییب، ۱۳۸۰، ۲۳).

در خلال جنگ جهانی اول، نورسی پیچیده‌ترین متن فلسفی خود را به زبان عربی به رشته‌ی تحریر درآورد که از آن به «اشارات‌الاعجاز» یاد می‌گردد. وی هم‌چنین با مشارکت در جنگ، کردها را علیه پیشرفت‌های روس‌ها - ارامنه در مناطق کردنشین سازماندهی و رهبری نمود. در سال ۱۹۱۶ میلادی توسط روس‌ها دستگیر و دوسال و سه ماه را در «کوستارما» اردوگاه اسیران جنگی، در غربی‌ترین نقطه‌ی «اورال» به عنوان اسیر جنگی سپری نمود (ح‌ییب، ۲۰۰۶، ۴۹).

بعد از بازگشت به عضویت نهاد علمی و دینی مهم آن روز عثمانی «دارالحکمه اسلامی» منصوب گردید که شیخ‌الاسلام و چند تن دیگر از علمای طراز اول استانبول عضو آن بودند. از این زمان به بعد نورسی کم‌کم به درون‌گرایی متمایل و خود را در درون بحران عمیق روحی یافت بعد از این دوره «مکتوبات احمد سرهندی» و «فتوح‌الغیب عبدالقادر گیلانی» وی را در غلبه بر این بحران کمک نموده و قرآن را به عنوان راهنما و مرشد خود قرار داد تا جائی که صوفیسم به قدرتمندترین بُعد در تکوین ایده‌ها و شخصیت او تبدیل شد (نورسی، ۱۳۸۷، ۱۷۱). نورسی با چاپ مقاله‌ای مفصل تحت عنوان «شش گام»، به اشغال استانبول توسط انگلیسی‌ها معترض شد و آن‌ها را «شیطان» این عصر قلمداد نمود. وی اندیشه‌های مذهبی را علیه انگلستان و به طرفداری از ظهور حرکت ملی به رهبری «مصطفی کمال» بسیج کرد. در آگوست ۱۹۲۲ میلادی به آنکارا رفته و به یکی از حامیان جدی مبارزه‌ی ترکیه‌ی آزاد و رهبران ناسیونالیست حول محور مصطفی کمال تبدیل شد.

اشتیاق و هواخواهی پر شور او تنها زمانی فروکش کرد که از نقشه‌های افراطی - ضد اسلامی که رهبران جدید جمهوری به اجرای آن تمایل داشتند آگاهی یافت. و طی سفری در آوریل ۱۹۲۳ میلادی از آنکارا به کردستان (وان) که از آن به عنوان «سفر انتقالی» از سعید قدیم به سعید جدید یاد می‌گردد، به این نتیجه رسید که نو شدن آگاهی اسلامی می‌بایست نه در

سطح دولت بلکه در سطوح فردی انجام پذیرد. وی نقطه اتکای خود را بر بعد درونی معنویت فردی و توسعه‌ی آگاهی‌های جدید اسلامی گذاشت تا در زندگی روزمره به احیای ایمان به خداوند بپردازد. در این اثنا در مناطق کردنشین ترکیه یکی از رهبران بزرگ کرد «شیخ سعید پیران» جنبشی مقاومتی با صبغه ملی- اسلامی در ضدیت با ناسیونالیسم و سکولاریسم ستیزه‌جوی آتاتورک بنیان نهاد. جنبشی که بعد از موفقیت‌های اولیه در کردستان، در نهایت خشونت سرکوب شد. هر چند بدیع‌الزمان سعید نوری در این جنبش مشارکتی نداشته، اما او نیز به اتهام حمایت از این شورش دستگیر و به غرب آناتولی تبعید گردید. حکومت این جنبش را از افکار ضدسکولاریستی نوری متأثر می‌دید.

این دوران تبعید ۲۵ ساله (۱۹۲۵/۱۹۵۰) میلادی که از آن به عنوان دوران سعید جدید یاد می‌شود، دارای چندین نکته برجسته است:

الف) در این مدت نوری مرتباً تبعید، زندانی، تحت مراقبت و نظارت و آزار و اذیت بوده است چرا که سیاست‌ها و اقدامات نخبگان کمالیستی را در حوزه‌های سکولاریستی و ناسیونالیستی و تحت انقیاد در آوردن دین را قبول نداشته، و این سیاست‌های سرکوب‌گرایانه را به چالش کشیده است.

ب) در این مدت اثر جاودانه نوری «کلیات رسانه‌ی نور» نگاشته می‌شود. نوشته‌ای که شامل ۱۳۰ رساله می‌شود. نوری در این رساله‌ها به «مذهب‌زدایی» به عنوان منبع بسیاری از مشکلات و تنش‌ها می‌نگرد بنابراین هدفش بازگشت خداوند به حیات اجتماعی بود که این امر نیز مستلزم شکل دادن به شخصیت انسان‌ها و اصلاح‌گری در درون آن‌ها بود.

ج) در این مدت کم‌کم پایه‌های «جنبش نور» با نوشته‌ها و آثارش و پیوستن هر چه بیشتر شاگردان و پیروان شکل می‌گیرد. جنبشی درونی و معنوی برای رستگاری توأم با ایمان در آن عصر پرتنش.

در سال ۱۹۵۰ میلادی با برپایی نظام چند حزبی در ترکیه و پیروزی «حزب دموکرات» «عدنان مندرس»، فضا برای فعالیت نوری و شاگردانش مهیا می‌شود و بسیاری از تهدیدها و تحدیدها برداشته می‌شود. نوری و شاگردانش جهت ممانعت از تداوم سیاست‌های حزب جمهوری خلق آتاتورک، از حزب دموکرات حمایت می‌نمایند. چرا که نوری حزب دموکرات را «شیطانی بهتر از شیطان قبلی» می‌دانست (نوری، ۱۳۹۱، ۴۲۰).

در این مدت نوری با عدنان مندرس نخست‌وزیر و «جلال بایار» رئیس‌جمهور مکاتباتی داشته و آن‌ها را به پیگیری سیاست‌های اسلامی تشویق می‌نماید. سیاست‌مداران جدید ترکیه نیز

با در پیش‌گیری یک‌سری اقدامات و پیگیری سیاست‌های دینی سعی بر پاسداشت دغدغه‌های نوری و جامعه‌ی مذهبی را داشتند.

بازگشت نوری به دنیای سیاست و اجتماع این بار بر خلاف سعید قدیم از سر ضرورت و احتیاط و اعتدال بوده است.

نهایتاً در بیست و ششم مارس ۱۹۶۰ میلادی نوری به علت کهولت سن و بیماری ذات‌الریه فوت نمود و بنا به وصیت خود در شهر «اورفه» کردستان دفن گردید. اما رژیم کودتا که پس از حزب دموکرات باز به قدرت بازگشته بود بعد از چند ماه دستور نبش قبر او و دفنش در مکانی نامعلوم را صادر نمود. تا نوری و افکار او را از اذهان و خاطر مردم ترکیه حذف نمایند، احیای نوری‌ها در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی نشان داد که این اندیشه دفن‌ناپذیر است.

### گولن شاخص‌ترین شاگرد نوری

بدیع‌الزمان سعید نوری، جنبش نور و نوری‌ها، اسلام سیاسی و اجتماعی در ترکیه، حزب عدالت و توسعه و دموکراسی اسلامی در الگوی نظام سیاسی ترکیه به واسطه‌ی «فتح‌الله گولن» متفکر و اندیشمند اسلامی معاصر، به تحولات بعد از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی پیوند می‌خورد، او شاخص‌ترین، راست‌دین‌ترین، و در عین حال پویاترین پیرو و شاگرد سعید نوری است. هنگامی که در سال ۲۰۰۸ میلادی نشریات معتبر «فارن پالیسی» ایالات متحده و «پراسپکت» انگلیس از خوانندگان‌شان خواستند که مهمترین روشنفکران حوزه‌ی عمومی دنیا را انتخاب کنند، فتح‌الله گولن روشنفکر دینی اهل ترکیه که (رهبر معنوی میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به شمار می‌آید)، از سوی مردم و متفکران به عنوان تأثیرگذارترین روشنفکر دنیا انتخاب شد. گولن در مصاحبه‌ها، دیدارها، سخنرانی‌ها و مکتوبات خود همیشه این جمله را مقدمه‌ی بحث خود قرار می‌دهد که: «من به استادی سعید نوری معترفم و به شاگردی خود مفتخر». گولن خود را سعید نوری قرن بیست و یکم می‌داند و بهتر است به یکی از تعاریفی که گولن از نوری داشته است توجه کنیم: «از این که شاگرد بدیع‌الزمان باشم ابراز امتنان و بزرگترین افتخار برای من است، نوری انسانی عمل‌گرا بود که همیشه به فکر اسلام و انسانیت بود. او یک قهرمان شجاع و در خدمت دانش، معرفت و پاکدامنی بود که افکارش مرا هم چون دیگران تحت تأثیر قرار داده است. با وجود چنین تأثیری، باید بگویم که تلاش و نیتم این است که تمام ثروتم را وقف دین و ملت بکنم» (نورالدین، ۱۳۸۲، ۱۸۸).

فتح‌الله گولن در توصیفی دیگر استاد خود نوری را از جنبه‌ی خدمت‌رسانی به امت، او را با حضرت ابراهیم مقایسه می‌کند و می‌گوید: «قرآن، ابراهیم پیامبر را یک امت معرفی می‌کند، زیرا ابراهیم تمام تلاش خود را برای نجات مردم و انسانیت به کار گرفت و برای این هدف حاضر شد به میان آتش برود» وی معتقد است که بدیع‌الزمان سعید نوری نیز چنین حالتی داشت، زیرا خود وی می‌گفت: «نه عشق بهشت دارم نه ترس از جهنم، من سلامت را در ایمان ملتم دیدم و برای این هدف، حاضرم در آتش جهنم بسوزم، زیرا جسم من است که می‌سوزد و قلبم مثل باغی شکوفا می‌شود» (همان، ۱۹۰).

### زندگی، افکار و جنبش گولن

با وجود این که بدیع‌الزمان نوری برای خود جانشینی تعیین ننمودند و عقیده داشت جانشین او و استاد بعدی جنبش نور «شخصیت گروهی» (خرد جمعی) است. در دهه‌ی ۶۰ میلادی یکی از شاگردان وفادارش به نام «زبیر گندوزالپ» جنبش را رهبری نموده است ولی از دهه‌ی ۷۰ به بعد فتح‌الله گولن قدرتمندتر و با کاریزمای قویتر رهبری جنبش را بر عهده گرفته است. فتح‌الله گولن به سال ۱۹۳۸ در شرق ترکیه در روستای کوچکی در نزدیکی ارزروم به دنیا آمد. از همان کودکی به یادگیری زبان عربی و آموزه‌های پیامبر اسلام نزد پدر خود مشغول شد. خانه‌ی پدری محل رفت و آمد علمای شهر و متفکران دینی بود و او در چنین فضایی پرورش یافت که مدام در پی کشف معنویت و جایگاه ایمان فردی در جهان مدرن بود.

پس از پرورش بنیان‌های فکری خویش با علوم آئینی و آثار نوری، رفته‌رفته برای پاسخ به سوالات دنیای مدرن و ارتباط صحیح‌تر با آن، به تبعیت از استاد خویش بدیع‌الزمان به فراگیری علوم مدرن هم‌چون فلسفه، ادبیات، تاریخ، فیزیک، شیمی، بیولوژی و ستاره‌شناسی روی آورد. هم‌چنین آثار فیلسوفانی هم‌چون: کامو، سارتر، مارکوس، روسو را مطالعه کرد. در دهه‌ی ۱۹۶۰ گولن به انتشار نوارهای کاست سخنرانی خود پرداخت و برای جوانان اردوهای تابستانی و آموزش مذهبی برگزار می‌کرد. در این اردوها دانش‌آموزان را با آموزه‌های سنتی اسلامی و نوشته‌ها و اندیشه‌های استادش سعید نوری آشنا می‌کرد.

در سال ۱۹۷۱ و بعد از کودتای نظامیان در ترکیه، در میان موج سرکوب و دستگیری‌ها، گولن نیز به علت ایراد خطابه‌های مذهبی و معنوی دستگیر و شش ماه بدون محاکمه در زندان ماند و به شرطی آزاد شد که هیچ سخنرانی مذهبی عمومی ایراد ننماید. در سال ۱۹۷۹ میلادی

جریان وی دست به انتشار نشریه‌ای تحت عنوان «زینتی»<sup>۱</sup> زد که به تبعیت از آموزه‌های نوری در پی آمیختن دانش علمی و اصول اسلامی بود. در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی تمرکز گولن و جریان وابسته به او در دایر نمودن مدارسی خصوصی تحت تأثیر تفکرات خود در ترکیه و مناطق مختلف جهان شد که در حال حاضر رقم آن‌ها در حدود ۵۰۰ مدرسه برآورد می‌شود. ۲۰۰ باب در ترکیه و ۳۰۰ باب در اکثر نقاط و قاره‌های جهان، به علت فضای بسته‌ی سیاسی و فرهنگی در ترکیه و تحت فشار بودن از طرف ارتش و نظام لائیک ترکیه، گولن مجبور شد در سال ۱۹۹۹ به ایالات متحده مهاجرت نموده و در "پنسیلوانیا" ساکن شود و نظر سیاستمداران و متفکران آن‌جا را نیز به خود و تشکیلاتش جلب نماید.

گولن فعال دینی و سیاسی ترک، یکی از چهره‌های منتقدی است که در حال حاضر نه تنها در ترکیه بلکه در میان مسلمانان اروپا، آمریکا و آفریقا از نفوذ بالایی برخوردار است. امروز جنبش گولن بیان‌گر قدرتمندترین جنبش «جماعت مسلمین» ترکیه است که در نقطه‌ی مقابل گروه‌های اسلام‌گرای تندرو تعریف می‌شود. جماعت مسلمین معتقد به دموکراسی و پلورالیسم می‌باشد، و با چنین افکاری آثار عمده‌ای در بیداری اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا داشته است.

گولنیست‌ها در ۱۴۰ کشور جهان، مدرسه، دانشگاه، خانه‌ی فرهنگ و کانون فعالیت دینی و مذهبی را دایر کرده و از اربیل پایتخت کردها در اقلیم کردستان گرفته تا ترکمنستان، اوکراین، سراسر آسیای میانه، شرق دور، بالکان، استرالیا، اقیانوسیه، آمریکا و شاخ آفریقا شاگردان و کانون‌های فعال و پویایی دارند. آن‌ها از طریق فضای مجازی با یکدیگر مرتبط می‌باشند. گمانه‌ها تعداد حامیان یا «پارتیزان‌های فتح‌الله» را تا چهار میلیون نفر تخمین می‌زنند که در حوزه‌های مختلف سیاسی نقش مبلغان فرهنگی و سیاسی جنبش را بر عهده دارند (قهرمان‌پور، ۱۰۵، ۱۳۹۰).

جنبش گولن اهداف و برنامه‌های خود را از طریق روزنامه‌ی «تیراژ» منتشر می‌نماید. این روزنامه در سال ۱۹۸۶ تأسیس شده و اینک در بین سه روزنامه‌ی ملی در ترکیه با شمارگان ۵۰۰ هزار نسخه در روز منتشر می‌شود. چاپ‌های بین‌المللی آن نیز در بیش از ۱۵ کشور خارجی منتشر می‌گردد. هم‌زمان چندین هفته‌نامه با نام‌های «خانواده‌ی من»، «دانشگاه» و «دوست من» تعالیم و افزایش آگاهی دینی در حوزه‌های اجتماعی را دنبال می‌نمایند. مجله‌ی هفتگی «نقطه»

و مجلات «ظفر»، «سور»، دو نشریه‌ی دانشگاهی «ینی اومیت» و «فوتن» و ماهنامه‌ی «سیزنتی»، شبکه‌های تلویزیونی سامانیویلو و کهکشان، «اس.تی.وی» و دیگر وسایل ارتباط جمعی هم چون پایگاه اینترنتی گولن که به ۱۲ زبان برنامه پخش می‌کنند، تبلیغات و ارتباطات درون جنبشی گولنیست‌ها را در حوزه‌ی عمومی مدیریت می‌نمایند.

### گولن پدر معنوی حزب عدالت و توسعه

نفوذ گولن و پیروان او در حوزه‌های گوناگون سیاست، بازار، ادارات، دستگاه‌های قضا، دستگاه پلیس و امنیت و سایر حوزه‌های جامعه‌ی ترکیه به اندازه‌ی تأثیرگذار است که در حال حاضر دولت اردغان و حزب عدالت و توسعه در تصمیمات راهبردی و حیاتی، ابتدا کسب رضایت گولن یا همان «خواجه افندی» را مورد عنایت قرار می‌دهند. به گونه‌ای که امروز فتح‌الله گولن را رهبر فکری و دینی حزب عدالت و توسعه می‌شناسند. و برخی آن‌گونه که «نجم‌الدین اربکان» را پدر «اسلام سیاسی» ترکیه می‌نامند، گولن را نیز پدر «اسلام اجتماعی» می‌خوانند.

پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه که رهبران و اعضای آن از شاگردان اصلی گولن بوده‌اند، از فعالیت‌های آموزشی این جریان در داخل و خارج ترکیه حمایت دولتی بسیاری به عمل آمد. لذا در طول یک دهه‌ی گذشته آموزه‌های گولنیسم علاوه بر ترکیه در اقصی نقاط جهان حامیان زیادی را پرورش داد. روند روبه رشد پیروسازی مسلمانان در دنیا که اکنون با اختلافات داخلی گولنیست‌ها و مؤتلفین سیاسی آن‌ها به یک شکاف سیاسی عقیدتی عمده با ابعادی جهانی تبدیل شده است.

گولن می‌خواهد نشان دهد که اسلام با مدرنیته، آزادی، دموکراسی و حقوق بشر کاملاً سازگار است. این همان آموزه‌ی سیاسی است که حزب عدالت و توسعه برای پیشبرد اهداف سیاسی داخلی و خارجی خود بدان نیازمند است.

شخص گولن از یک طرف و سیاستمداران امروز ترکیه در حزب عدالت و توسعه از طرف دیگر (هم‌چون رجب طیب اردغان، عبدالله گل، بلنت آرنج و داوود اوغلو) پیوند و ارتباط متقابل میان خود را مورد تأیید قرار داده‌اند. پس اگر گولن پدر خوانده‌ی حزب و دولت عدالت و توسعه است، استاد او بدیع‌الزمان سعید نوری نیز جد بزرگ این تشکیلات است. به اعتقاد گولنیست‌ها، گولن، سعید نوری قرن بیست و یکم است. که بر اساس تعالیم استاد

خود، آموزه‌های علمی و دینی خود را بر اساس مقتضیات زمان، سامانی تازه بخشیده و مبنای فکری لازم برای فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حزب عدالت و توسعه را فراهم می‌آورد.

امروزه بسیاری از لائیک‌های ترکیه از ژنرال‌ها گرفته تا نخبگان فکری معتقدند که گولن عنصری سیاسی است و قصد دارد حکومتی اسلامی در ترکیه تأسیس نماید و در این راه با ایجاد مدارس و دانشگاه‌ها دست به تربیت کادر برای اهداف خود زده است. اتهامی که در قرن گذشته، به صورت مکرر در دادگاه‌های نظامی متوجه سعید نوری نموده و او را به این جرم شکنجه و زندانی می‌کردند.

#### تأثیر اندیشه‌های سیاسی - اسلامی نوری بر گولن

فتح‌الله گولن و طرفدارانش در استدلال‌های سیاسی و دینی جنبش خود به گفتار و آثار نوری رجوع می‌کنند تا در جامعه‌ی سیاسی و دینی مشروعیت و مقبولیت بیشتری کسب نمایند. می‌توان گفت که فتح‌الله گولن و گولنیست‌ها (شاگردان و پیروان چهار میلیونی او) در بنیان آرا و اندیشه‌ها و اتخاذ مواضع فکری و عملی خود تحت تأثیر شخصیت و نوشته‌های سعید نوری هستند و سایه‌ی این تأثیر همیشه بر این جنبش سنگینی دارد. گولن و گولنیست‌ها به تبعیت و در راستای افکار نوری به اصول زیر معتقد بوده و آن را راهنمای عمل سیاسی و فرهنگی خود قرار داده‌اند:

#### ۱- «برهم نهاد» علم و دین یا سنتز یافته‌های علوم نوین و آموزه‌های اسلامی

رستگاری در دوجهان با پیوند «اخلاق اسلامی» و «دانش سکولار»

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های نوری که مورد استفاده‌ی گولن و جنبش او قرار گرفت، این است که: مغایرتی میان علم و دین وجود ندارد پس هر طلبه و محصلی باید علوم آئینی و علوم جدید را همزمان فراگرفته و بنیادهای فکری خویش را با این دو علم استحکام بخشد. ترویج اندیشه‌های اسلام مدرنی که بر ضرورت نقش مهم اعتقادات مذهبی در زندگی عمومی تأکید داشته و در عین حال پیشرفت‌ها و تحولات فناوری و علمی را با آغوش باز بپذیرد. این گونه اسلام، آموزه‌های قرآنی و دینی را در پرتو عقلانیت و علم مدرن باز تفسیر می‌نمایند. سنتز اسلام و علم و پیوند خرد و وحی، سطح آگاهی اسلامی را افزایش می‌دهد. رستگاری این جهان

و جهان آخرت در گرو چنین پیوندی است. از ترکیب اخلاق اسلامی و دانش سکولار «روشنفکری اسلامی» متولد می‌شود. از آشتی دادن ارزش‌های سنتی اسلامی با زندگی و علم مدرن مخاطبان بیشتری جذب می‌شوند. و این مخاطبان به مدافعان بهره‌مندی از عقل در اعتقادات اسلامی بدل می‌شوند.

گولن در حالی که معتقد است تنها یک اسلام معتبر مبتنی بر قرآن و سنت‌های پیامبر وجود دارد، در عین حال قرائت‌های متفاوت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی از اسلام را در جهان مدرن به رسمیت می‌شناسد، اعتقادی که بنیان تساهل دینی در اندیشه‌ی او به شمار رفته و امکان همزیستی سیاسی حزب عدالت و توسعه و توان جاذبه‌ی بالای این حزب در جامعه‌ی متنوع ترکیه را فراهم آورده است.

فراتر از جامعه‌ی ترکیه نیز، گولن از یک قرائت مترقی و پیشرو از اسلام دفاع می‌کند که در آن مسلمانان بتوانند با علم، آموزش، فلسفه، علوم اجتماعی و فناوری با جهان تعامل کنند (همان، ۱۰۵). همان‌طور که سعید نوری بنیانگذاری مدرسه‌ی «الزهراء» را برای تحقق این ایده-ی فراملی در نظر داشت، شاگرد او نیز با راه‌اندازی ۵۰۰ مدرسه در چهار گوشه‌ی دنیا به دنبال تحقق این هدف است. گولن از شرایط مساعدتر، امکانات بیشتر و به ویژه یاران افزون‌تر و فعال‌تر زمان خود برای تحقق آرمان‌ها و ابداعات، بدیع‌الزمان نوری استفاده کرد.

تهیه‌ی محصولات فرهنگی لازم جهت تأثیرگذاری بر عامه‌ی مردم و تبلیغ اخلاق اسلامی در زندگی روزمره از روش‌های جریان گولنیست‌ها است. مجموعه‌ی سریال‌های تلویزیونی «کلید اسرار» از جمله این محصولات فرهنگی است که در ایران نیز از رسانه‌ی ملی پخش می‌شود. انسان در این فیلم داستانی به وسیله‌ی توکل به انبیا و اولیاء الهی، توجه به پاکی، صداقت و راستگویی در امور اجتماعی، به دست آوردن مال حلال و کار و تلاش شرافتمندانه در زندگی و توجه به مسائل دینی و اعتقادی می‌پردازد. داستان‌های این سریال بر اساس اتفاقات واقعی به تصویر کشیده شده و توجه به نیروهای الهی موجود در طبیعت را مورد توجه قرار می‌دهد. الگوی فرهنگی خاصی که ریشه در تفکر آرمان‌گرایانه و دینی نوری داشته و سنگ بنای فعالیت‌های اجتماعی مبتنی بر اخلاق اسلامی گولن است.

## ۲ - تساهل و تسامح مذهبی و دینی

"جایی که اختلاف نباشد، زندگی هم نیست"

یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشه‌های گولن، ساختن پلی میان جهان اسلام و غرب بر اساس اصول مدارا و تساهل سیاسی و فکری است و در این راستا بر اهمیت ترکیب پیشرفت‌های علمی و فناوری به جامعه‌ی مسلمانان معاصر تأکید می‌کند جنبش او دو پیشنهاد مهم برای تأمین صلح و آرامش در جامعه دارد: تسامح و تساهل و دوم گفتگو. از دید او اگر بتوانیم همدیگر را با سعه‌ی صدر تحمل کنیم، در کشور اعتماد، صلح و آرامش حاکم خواهد شد. هم‌چنین هیچ‌کس نباید دیگری را به سبب پیروی از مذهبی خاص لعن و نفرین کند و یا شخصی را به سبب الحاد (آتئیست بودن) تحقیر و سرزنش کند. او ضمن انتقاد از عملکرد افراطی برخی افراد و جریان‌ها، خواستار تعمیم آزادی فکر و عمل و کسب آزادی فردی و لیبرالیسم به مقدار محدود است. گولن با اصل قرار دادن این نکته که: «جایی که اختلاف نباشد زندگی هم نیست، خواستار تجدید نظر در ساختار سیاسی ترکیه، همراه با تحقق دموکراسی، آزادی و انعطاف-پذیری هرچه بیشتر و کاهش بوروکراسی و احترام بیشتر به حقوق و عملکرد فردی است» (نورالدین، ۱۳۸۲، ۱۹۴). عقاید گولن درباره‌ی تسامح و تساهل و گفتگو به مسلمانان محدود نمی‌شود، بلکه مسیحیان و یهودیان را نیز در بر می‌گیرد. وی دوبار با پاتریارک پارت‌لومئوس، رهبر ارتدکس‌های یونانی، در استانبول ملاقات و گفتگو داشته و چند بار نیز با رهبران مسیحیان و یهودیان برای ترویج گفتگوی میان مذاهب و ادیان دیدار و گفتگو کرده است «گولن در فوریه ۱۹۹۸ در ژم به دیدار پاپ رفت و یکی از خاخام‌های ارشد اسرائیلی را نیز در ترکیه به حضور پذیرفت. نورسی نیز در سال ۱۹۵۲ رساله خود را به واتیکان فرستاده بود. او دامنه‌ی تسامح خود را چنان می‌گستراند که سکولاریست‌ها و غیر مسلمانان ترکیه را نیز در بر می‌گیرد. وی این رهیافت را راهی برای احیای کثرت‌گرایی فرهنگی امپراطوری عثمانی، تأمین ثبات ترکیه و جلوگیری از بروز کشمکش‌ها از نوع منازعه میان اهل سنت و علوی‌ها می‌داند» (ارس، ۶۴، ۱۳۸۱).

### ۳- تأیید و تأکید بر دموکراسی و حکومت دموکراتیک

"اسلام و دموکراسی سازش پذیرند"

گولن حامی حکومت دموکراتیک است و استدلال می‌کند دموکراسی موثرترین و شایسته‌ترین شکل حکومت در جهان امروزی است. او به صراحت می‌گوید که: «دموکراسی و اسلام سازش پذیرند. ۹۵ درصد قوانین اسلامی به زندگی خصوصی و خانواده می‌پردازد. فقط

پنج درصد از این قوانین به موضوعات دولت مربوط است و این می‌تواند تنها درون بستر دموکراسی مهیا شود. اگر عده‌ای به چیز دیگری از قبیل دولت اسلامی می‌اندیشند، تاریخ و اوضاع اجتماعی این کشور اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. دموکراتیزاسوین فرآیندی گریزناپذیر در ترکیه است».

چنین تفکراتی باعث شده است که گولن با سبک حکومت ایران و عربستان مخالفت بورزد. او با این نظر استادش نرسی موافق و همراه است که جمهوریت انطباق زیادی با مفهوم مشورت دارد که در منابع اسلامی درباره‌اش بحث شده است. او از این بسیار نگران است که رژیم‌های اقتدارگرا عقاید متفاوت را به شدت تحت کنترل در آورند. گولن با اعمال خشونت برای رسیدن به قدرت مخالف است و می‌گوید: «اگر ما خواهان دموکراسی هستیم، باید از طریق دموکراسی نیز عمل کنیم، مثل این که همه یک دین، یک مذهب، یک نژاد دارند و اگر قرار باشد بر سر مسئله‌ای بی‌هیچ قید و شرطی توافق حاصل آید، باید این کار هم از طریق دموکراسی صورت گیرد» (نورالدین، ۱۹۴، ۱۳۸۲).

با این وجود همواره در غرب نگاهی توأم با تردید به الگوی میانه‌روی اسلامی ترکیه وجود داشته است. برخی از ترکیه شناسان غربی هشدار می‌دهند که گولنیسم در لوای شعارهای لیبرالی نظام فراگیری از تفتیش عقاید را بر کشور حاکم کرده است. و حاکمیت نسبی طرفداران گولن بر دستگاه‌های امنیتی، پلیس و دستگاه قضایی، در این راستا شکل گرفته است. این ادعا براساس یکی از گزارش‌های رسمی وزارت دادگستری ترکیه صورت می‌گیرد که طبق آن به طور معمول از هر هزار نفر تبعه‌ی ترکیه یک نفر توسط دستگاه امنیتی آن کشور استراق سمع می‌شود در حالی که این آمار در ایالات متحده، یک به ۱۳۷۰۰۰ نفر می‌باشد. لائیک‌ها این امر را ناشی از اعتقادات توتالیتری اسلام‌گرایان ترکیه می‌دانند. و معتقدند این اعتقادات از اساس با پیوند گولنیسم و «دموکراسی» همخوان نیست (Cagaptay, 2009).

#### ۴ - سعی بر احیاء و تداوم ارزش‌ها و میراث عثمانی

" بازگشت به مدینه‌ی فاضله عثمانی بدون نیاز به احیای خلافت "

گولن به تبعیت از تفکرات سعید نرسی، زندگی پیامبر اسلام و دوره‌ی کلاسیک امپراطوری عثمانی را مدینه‌ی فاضله برای مسلمانان امروزی می‌داند. او به منظور به دست آوردن نقش دوباره‌ی مورد احترام مسلمانان در جهان مدرن، میراث عثمانی را در ترکیه معاصر

به پیروانش گوشزد می‌کند. او از بازگشت خلیفه صحبت و حمایت نمی‌کند، بلکه بر ارزش‌های فرهنگی مهم و کردارهای عثمانی‌ها تمرکز می‌کند از جمله: ۱- روح گفتگو ۲- این واقعیت را که دولت عثمانی آشتی فکری و فرهنگی بین جامعه‌ی عثمانی و غرب بود. گولن استفاده از الگوی عثمانی را به عنوان بنیانی برای بازگشت جهان اسلام به مرکز تمدن جهانی و ایجاد رابطه با غرب حمایت می‌کند. او امیدوار است بتواند بین دین و دولتی که در دوران عثمانی وجود داشته، پیوندی برقرار سازد. چنین اندیشه‌ای توانایی او را برای استفاده و بهره‌گیری از اسلام برای بسیج مردم تقویت می‌کند. از منظر گولن، فضیلت‌ها و ارزش‌های ترکیه بسیار زیاد است. میراث عثمانی، سکولاریسم، اقتصاد و دموکراسی به طور دقیق و خلاصه میراث عثمانی - اسلامی، هویت گولن را تشکیل داده است. و جنبش خود را در راستای احیای کثرت‌گرایی فرهنگی امپراطوری عثمانی می‌داند. چرا که نوری نیز امپراطوری عثمانی را به دلیل ماهیت اسلامی آن، هویت بخش اقوام و فرهنگ‌های متنوع و دستیابی به وحدت در عین کثرت می‌دانست.

با این وجود در عمل «رجب طیب اردوغان» و دیگر پیروان رسائل نور، راه نیای سیاسی خود «نجم‌الدین اربکان» را ادامه ندادند و در حالی که اربکان در دوران کوتاه زمامداری خود، گروه «دی هشت» را متشکل از هشت کشور بزرگ اسلامی ایجاد نمود، و تلاش کرد رویکرد همدلانه‌ای را با راهبرد همگرایانه کشوری هم‌چون جمهوری اسلامی ایران برقرار کند، دیگر شاگردان آن مکتب راهبردهایی شقاق‌آمیز را در پیش گرفتند که حتی مورد انتقاد اربکان قرار می‌گرفت.

##### ۵ - رابطه‌ی دین و دولت

" پذیرش الگوی آمریکایی سکولاریسم در مقابل الگوی ژاکوبینی "

گولنیست‌ها به دنبال نسخه‌ای سیاسی هستند که بین اسلام و دولت نوعی تلفیق ایجاد نماید، لذا یک سری اصول دینی توجیه‌گر مدارای سیاسی فکری را با اصول تساهل سیاسی نظام‌های غربی تلفیق کرده و در خدمت توجیه الگوی لیبرالی از دولت قرار می‌دهند. در این الگو، حرکت از «آموزش دینی» شروع شده به «رفتار اجتماعی اخلاق‌محور» ارتباط می‌یابد. نوعی سوسیالیسم اسلامی بر اساس نگرش عدالت توزیعی صورت می‌گیرد. اما در حوزه‌ی سیاسی دخالت دین در امر سیاسی به حدی محدود است که در نظام لائیک ترکیه ایجاد شکاف و چالش نکند (Turam, 2006, 130).

اگرچه گولن از تشکیل یک نظام سیاسی اسلامی حمایت نمی‌کند و مداوم به پیروانش جمله مشهور استادش را یاد آور می‌شود که: «اعوذ بالله من الشیطان و السیاسة»، اما در عین حال توصیه‌ی دیگر سعید نوری را نیز یادآوری می‌کند که دین نباید به حوزه‌ی خصوصی فرد محدود شود بلکه باید بخشی از زندگی عمومی باشد. او از جدایی دین و سیاست در جوامع معاصر مسلمان حمایت می‌کند. از نظر گولن سلطه‌ی دولت بر امور دینی بر اسلام آسیب می‌زند و از این رو دین باید از کنترل دولت آزاد شود. گولن آخرین وصیت استاد خود نوری را بکار می‌گیرد و جنبش خود را از هرگونه مواجهه و رویارویی با دولت بر حذر می‌دارد. گولن تصریح می‌کند: «من همواره جانب دولت و ارتش را نگه می‌دارم، بدون دولت، آنارشیسم و آشوب به پا می‌شود». گولنیست‌ها، سکولاریسم بر گرفته از الگوی آمریکایی (که در آن حدود آزادی مذهبی تعریف و مورد احترام است) را بر سکولاریسم ژاکوبینی فرانسوی (که در آن، مذهب تحت انقیاد دولت است)، ترجیح می‌دهند و آن را برای کشور ترکیه مناسب می‌دانند. نوعی نظام سکولاریستی که نوری آن را در دولت دموکرات «عدنان مندرس» مورد تأیید ضمنی قرار داده بود. می‌توان گفت تأیید ضمنی نوری نوعی سیاست عمل‌گرایانه بود که مقاصد اسلامی را در عرصه‌ی اجتماعی و سیاسی در چارچوب نظام سکولار ترکیه پیگیری می‌کرد.

از طرفی دیگر، در مورد رابطه‌ی حسنه و توأم با تأیید ایالات متحده با جریان گولن، بایستی اشاره نمود که دولت آمریکا از گولنیست‌ها در آسیای مرکزی و خاورمیانه به عنوان نیروی بازدارنده در مقابل دو جریان افراطی سلفی از یک سو و نفوذ الگوی اسلام شیعی ایران از طرفی دیگر حمایت بعمل آورده است. سیاستی که امروز نیز ایالات متحده در حمایت از شاگردان گولن یعنی رهبران حزب عدالت و توسعه دنبال می‌کنند.

برخورد نوری و به طبع آن گولنیست‌ها با حکومت مستقر وقت، به وجود رگه‌های تفکرات صوفی‌گرایانه در شخصیت دوم سعید نوری یا همان «سعید جدید» برگردد و همان‌طور که می‌دانیم: "سنت صوفی‌گری خود را بر فلسفه‌ای مبتنی می‌داند که در آن باید تمامی مخلوقات را به عنوان مظهر و تجلی فیزیکی خداوند و برخوردار از عشق خالق دوست داشت. در این نظام جایی برای «دشمنان» یا «دیگران» نیست" (ارس، ۱۳۸۱، ۶۰).

در بینش اسلامی گولن به پیروی از استاد خود نوری، اصل مهم به جای «انقلاب»، «دعوت» است، یعنی تشکیل جامعه‌ی اسلامی‌طرحی است که به گذشت زمان احتیاج دارد، به

نظر او، اصل مهم، اسلامی کردن افراد است، نه منقلب کردن جامعه، زیرا وقتی افراد اصلاح شوند جامعه نیز خود به خود متحول می‌شود.

#### ۶ - نگاه مؤمنانه گولن به مسئله‌ی کردها

مدارای متقابل میان ترک، کرد و عرب

یکی از موضوعات چالش برانگیز ترکیه، مسئله‌ی کردی یا مسئله‌ی کردها است. مواضع رسمی و صریح گولن در این حوزه حاکی از نگرشی بر بنیاد وحدت اسلامی و تساهل قومی است.

گولن در مصاحبه با روزنامه‌ی کردی «روداو» در سال ۲۰۱۳ میلادی، در باره‌ی مسأله کردی در ترکیه می‌گوید:

«حضرت بدیع‌الزمان نورسی در باره‌ی همه‌ی مشکلات جهان اسلام و به ویژه ترکیه و مناطق جنوب شرقی ترکیه، نظراتی دقیق و روشن دارد. او «جهل»، «فقر» و «تفرقه» را سرچشمه‌ی اصلی مشکلات می‌داند. مقصود بدیع‌الزمان از مسئله‌ی جهل تنها نادانی در امور دینی نیست بلکه در عین حال موضوع کلان و بنیادین نادانی در حوزه‌ی فکری و فلسفی را نیز مدنظر دارد. او اختلافات بین عشایر را به موضوع جهل و نادانی ربط داده و آنرا سرچشمه‌ی تفرقه و نفاق می‌داند و به همین خاطر شیخ بدیع‌الزمان در همه‌ی عمر تلاش کرد تا در شهر «وان» یک مکتب‌خانه‌ی دینی بزرگ بنام «الزهراء» تأسیس کند».

نورسی اصرار داشت در این مدرسه سه زبان ترکی، کردی و عربی در آموزش و به کار گرفته شود. او به دنبال تفسیر دینی تساهل قومی و زبانی بود و معتقد بود که بر اساس آموزه‌های دینی، موضوع تفاوت رنگ‌ها، نژادها و زبان‌ها، همگی آیات و نشانه‌های آفرینش هستند و هر قوم و ملتی صاحب زبان خاصی است. از آنجایی که خداوند متعال، در نظام آفرینش تفاوت‌ها را نه به عنوان عامل جدایی بلکه بعنوان راه شناخت، همکاری و همزیستی با همدیگر قرار داده، بر اساس همان الگویی که صاحبان اصناف مختلف در همکاری و تعامل با هم قرار دارند، فرهنگ‌ها، زبان‌ها و اقوام نیز باید با هم در ارتباط و همزیستی باشند.

نورسی و شاگردان او موضوع «زبان» را در قالب نظریه‌ی حقوق طبیعی طرح می‌کنند که پیش از این توسط نظریه پردازانی هم چون «جان لاک» مطرح شده است. بر این اساس، زبان در زمره‌ی حقوق فطری و طبیعی انسان است و مقدم بر قوانین موضوعه به شمار می‌آید و بنابراین،

نمی‌توان در قالب قوانین موضوعه و تصمیمات سیاسی متأخر، انسان‌ها و جمعیت‌ها را از این حق طبیعی محروم کرد. گولن این استدلال فلسفی نورسی را بنیان استدلال خود در توجیه تساهل‌زبانی قرار می‌دهد:

« از آنجایی که زبان مادری برای فرد، یک دستگاه کلامی طبیعی و نهادینه شده است، بدون آن که نیازی به فراخوانی واژه و نشانه وجود داشته باشد، با زبان مادری راحت‌تر می‌اندیشد و باید زبان مادری را آموخت و آن را حفظ کرد».

بر این مبنا، حق یادگیری و حفظ زبان مادری یک حق مبنایی و اساسی است و هیچ نظام و حکومتی نباید بکارگیری زبان مادری را ممنوع کند. چرا که ممنوع کردن زبان مادری مبارزه با طبیعت و فطرت جوامع و بشر است.

نورجی‌ها با ارائه‌ی تفسیری مبتنی بر مقتضیات زمان از آیات قرآنی به دنبال تعدیل اختلافات قومی موجود هستند. به اعتقاد آن‌ها، تفاوت‌های زبانی نباید به بهانه‌ای برای برتری دادن قومی بر قوم دیگر تبدیل شود. و هم‌چنان که برتر دانستن یک نژاد بر نژاد دیگر منجر به ظلم می‌شود، زیر پا نهادن ارزش زبان‌های دیگر و ایجاد فاصله و جدایی بین انسان‌ها به بهانه‌ی تفاوت زبانی، امری غیر قابل قبول است. یادگیری زبان مادری، حقی چنان طبیعی و فطری است که اصلاً نباید مورد بحث و چانه‌زنی قرار گیرد و در واقع یکی از نشانه‌های دادور بودن و عادل بودن یک حکومت آن است که انسان‌ها را در این حوزه محدود نکند (گولن، ۱۳۹۲).

فتح‌الله گولن برای کاهش تنش‌های قومی در ترکیه شخصیت‌های برجسته و بزرگ کرد را به عنوان صاحبان سنت و سیره‌ی وحدت ملی در دستگاه ایدئولوژیک خود تعریف می‌کند و آن‌ها را الگوی زندگی مسالمت‌آمیز کرد و ترک و عرب می‌داند کسانی هم چون «احمد خانی»، «فقیه طیران»، «ملای جزیری»، «صلاح‌الدین ایوبی» و بدیع‌الزمان شیخ سعید نورسی. و گولن به سخنی از ملا مصطفی بارزانی رهبر بزرگ کردها اشاره می‌کند که خطاب به کردها گفته است: «با ترک‌ها روابط حسنه برقرار کنید، برای آنان مشکل و مانع به وجود نیارید و همیشه با آن‌ها هم پیمان باشید».

به گفته‌ی گولن چنین سخنانی ارزشمند و شایان توجه و تأمل است و تعیین‌کننده‌ی مسیر آینده‌ی روابط کردها و ترک‌ها است. او می‌گوید: من شخصاً برای کردهایی که قربانی رویداد وحشتناک حلبچه و انفال (عملیات نسل‌کشی کردها توسط صدام حسین در عراق) شدند اشک ریختم و متأثر گردیدم. در نهایت گولن در مورد حل مسئله‌ی کردها معتقد است که ترکیه در

این حوزه مسئولیت‌های سنگینی بر دوش دارد. "ترکیه نه تنها باید مطالبات کردهای سرزمین خود را تأمین کند بلکه باید دست یاری به سوی کردهای دیگر جهان دراز کند و مشکلات آنها را بر طرف کند. ترکیه باید بر اساس راه‌های موجود در مناسبات و نهادهای بین‌المللی، دفاع کرده و خود را مانند نماینده و حامی آنها ببیند و ما باید همه دلایلی را که بین کردها و ترک‌ها فاصله ایجاد می‌کند از میان برداریم و پیش از آن که کردها برای حل مشکلات خود اقدام کنند، باید ترک‌ها به داد آنان برسند و در نهایت ترکیه باید دروازه‌ای برای کردها به همه عرصه‌های جهانی باشد" (همان).

نمی‌توان نقش نورجی‌ها را در توافقات اخیر کردها و دولت مرکزی ترکیه نادیده گرفت. گولن درباره‌ی دور جدید (۲۰۱۳) مذاکرات صلح بین دولت اردوغان و «عبدالله اوچالان» و چریک‌های پ.ک.ک. به صورت نمادین، این پیمان را به «صلح حدیبیه» تشبیه کرد و طرفین را به پاسداشت و توسعه‌ی آن ترغیب و توصیه نمود. موضعی که باعث شد عبدالله اوچالان از زندان «ایمرالی» نامه‌ای تشکرآمیز خطاب به گولن ارسال نماید. گولن برای توسعه‌ی نفوذ خود در میان کردها در سال ۱۹۹۴ م در «ارییل» (هولیر) پایتخت کردها و شهرهای دیگر اقلیم کردستان ۱۴ مدرسه و یک دانشگاه وابسته به جنبش خود را رسماً راه‌اندازی کرد.

این مواضع و دیدگاه‌های گولن در مورد مسئله‌ی کردها از آن‌جا دارای اهمیت و توجه است که قبلاً گولن و جماعت او اصرار داشتند که چیزی بنام ناسیونالیسم کردی وجود ندارد و آن‌ها مواضع ملی‌گرایی ترک را تبلیغ و توجیه می‌نمودند. "اما هم‌اکنون ایستگاه تلویزیونی «سامانیولو» که متعلق به جنبش گولن است مجموعه برنامه‌هایی را جهت نشان دادن اشتراکات توده‌های مردم کرد و ترک پخش می‌کند و به گفته یکی از تحلیل‌گران مسائل ترکیه، ویژگی اصلی جنبش گولن «ملی‌گرایی در خارج و امت‌گرایی در داخل ترکیه است» (اولسون، ۸۶، ۱۳۹۰).

گولن و جنبش او در میان کردهای ترکیه محبوب و دارای نفوذ بالایی است و در حال حاضر بهترین حلقه‌ی واسطه بین کردها و حزب عدالت و توسعه، همین جماعت گونولیس‌ها هستند که روابط خوبی هم با کردها و هم با حزب "عدالت و توسعه" دارند. روابط اجتماعی و کمک‌های انسان دوستانه، شکل این رابطه را سامان می‌دهد. در اعیاد اسلامی مختلف، فتح‌الله گولن، با استفاده از شبکه‌ی مجازی و اینترنتی خود، از همگان می‌خواهد، هدایا و صدقات‌شان را به میان کردها در جنوب شرق ترکیه بفرستند و این گونه رابطه‌ای عاطفی را میان جماعات مختلف کشور ترکیه و نیازمندان جنوب شرق برقرار می‌نماید.

در منطقه‌ی کردنشین ترکیه طرفداران گولن؛ مدرسه، کلاس، سالن‌های مطالعه و مراکز فرهنگی و اجتماعی مختلف می‌سازند و آموزگاران داوطلب وابسته به این جنبش به این منطقه می‌روند و به آموزش و بهداشت می‌پردازند. آنچه که قابل توجه است این است که جنبش گولن و حزب عدالت و توسعه این خدمات و اقدامات را فقط به نیت و اهداف خیرخواهانه و انسان‌دوستانه انجام نمی‌دهند، بلکه بخشی از مقصود آن‌ها در راستای تخریب و تضعیف چهره‌ی احزاب و جریانات ناسیونالیسم فعال کردی هم‌چون "پ.ک.ک"، "حزب صلح و دموکراسی" یا حزب قبلی "دی.تی.پی" در میان کردهای ساکن منطقه است تا در مواقع انتخاباتی از فقر اقتصادی توده‌ی مردم کرد بهره‌برده و به اهداف مبارزاتی خود برسند و به قول رابرت اولسون پژوهش‌گر برجسته‌ی مسائل کردستان ترکیه: «در بیشتر مواقع حزب عدالت و توسعه، ارتش و سازمان اطلاعات و امنیتی ترکیه (تی.ای.اف) و جنبش میانه‌رو گولن (ام.آی.تی) را در کردستان حمایت و تقویت می‌نمایند تا در مقابل اهداف ناسیونالیستی جریانات و احزاب ملی‌گرای کرد به عنوان "جایگزین" مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.»

#### ۷- اسلام آناتولی

نگاه قومی به دین و تناقض فکر و عمل در گولن

در پایان این مطلب لازم است به یکی از موارد عمده‌ی افتراق یا انحراف این شاگرد (گولن) از استادش (نورسی) اشاره نماییم. گولن بر خلاف استادش بر «اسلام آناتولی» تأکید بیشتری دارد یعنی «ترکیه‌ای کردن اسلام» و «اسلامی کردن ایدئولوژی ملی‌گرای ترک». گولن معتقد است که قرائت‌های مردم آناتولی و تجربه‌های اسلامی آنان متفاوت از دیگران به ویژه اعراب است. او احساسات قوی‌ای درباره‌ی میراث ملی‌اش دارد و به ترک بودن خود افتخار می‌کند و به گونه‌ای ملی‌گرایانه به ریشه‌های ترک بودنش و تاریخ عثمانی ترکیه و جهان بزرگ‌تر از ترکیه اشاره می‌کند. ملی‌گرایی گولن تاریخ‌گراست، بیش از آن‌که بر خون و نژاد مبتنی باشد، بر تجارب تاریخی مشترک و واقعیات سیاسی مرتبط با منافع ملی زمانه‌ی ترکیه تکیه می‌کند. برخی از منتقدانش معتقدند یکی از دلایلی که گولن هرگز موفق نشد با پیر و مراد خود «سعید نورسی» ملاقاتی داشته باشد، همین روحیه «ترک‌گرایی» بوده است. او استادش را در ابتدا متعلق به جامعه‌ی کردی تصور می‌نموده است. هرچند بعدها از این قصور خود پشیمان و نادم گشت. خود او با اعتراف تلویحی به این موضوع می‌گوید: «در سال ۱۹۶۰ میلادی که

حضرت استاد فوت کردند، امکان ملاقات ایشان را نداشتم، بعدها از خودم پرسیدم که آیا احساسات ملی‌گرایانه مانع این دیدار بوده است؟

به طور خلاصه مهمترین طغیان این شاگرد در مقابل استادش در این جمله است:

غلظت ناسیونالیسم ترکی گولن به نسبت رقت ناسیونالیسم کردی نوری.

اما آنچه که اکنون مشاهده می‌شود این است که گولن و جماعت او به نسبت سال‌های قبل از این تفکر ملی‌گرایی ترکی عقب‌نشسته و هویت اسلامی را بر هویت ترکی ارجحیت بیشتری داده و در این حوزه نیز به آموزه‌های استاد خویش نزدیک‌تر شده است موضوعی که در بحث نگاه گولن به مسئله‌ی اقلیت‌ها و کردها به آن اشاره شد. هر چند که این موضوع با روابط تازه گولنیست‌ها در دل نظام سیاسی ترکیه بی‌ارتباط نیست. حتی شماری از وزرای دولت حامی رساله‌های نور هستند و این دو حوزه‌ی سیاسی و اجتماعی به واسطه‌ی رساله‌های فوق و مقتضیات سیاسی امروز دولت نقش حمایتی را نسبت به یکدیگر بازی می‌کنند. سرکوب داعیه‌های سیاسی کردی و جایگزینی آن با روابط مبتنی بر معیشت اقتصادی و یا حداکثر پذیرش برخی از تکالیف اجتماعی مرتبط با دوازده استان کردنشین ترکیه توسط دولت، شرایط خاصی را در مسأله‌ی کردی به وجود آورده است.

به هر حال با وجود نفوذ معنوی و دوری نوری از حوزه‌ی سیاسی، گولن در حوزه‌های عملی و سیاسی از حضور و بروز بیشتری برخوردار است. و تطبیق آموزه‌های او با سیاست‌های "اسلام سیاسی" حزب عدالت و توسعه از یک‌سو و آرمان‌های "ملی‌گرایی ترک" از سوی دیگر، امکان حضور و نفوذ او را در دو حوزه‌ی حزبی و ملی کشور فراهم کرده است. در عین حال با توجه به نمایندگی افکار نوری کردزبان و نیاز مناطق کردی به حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی، گولنیست‌ها به مهمترین حلقه‌ی مدنی اتصال و ارتباط دولت با این جمعیت تبدیل می‌شوند. و در شرایطی که "عبدالله اوجالان" نماد و رهبر امروزین ملی‌گرایی کردها در زندان به سر می‌برد، تعریف یک رهبر غیر گُرد به آن‌دسته از جمعیتی که از دغدغه‌های روزمره برخوردارند، یک راهبرد مورد حمایت دولت به شمار می‌آید. راهبردی که تنها در زمان فروکش کردن خواسته‌های ناسیونالیستی اکراد، به صورت مسکن عمل می‌کند.

#### چالش سرمایه‌داری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی

رسوایی‌های اقتصادی اواخر سال ۲۰۱۳ میلادی، الگوی گولنیستی «سرمایه‌داری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی» را با چالش مواجه کرد. البته این عنوان را نه گولنیست‌ها، بلکه برخی از

مشاوران اقتصادی دولت " جرج. واکر. بوش " در ایالات متحده و کارشناسان صندوق بین‌المللی پول برای اقتصاد ترکیه و برخی دیگر از کشورهای اسلامی به کار بردند که به ادعای آن‌ها با شرایط اقتصاد سالم، شفاف و ضد تروریسم مالی در دنیا قابلیت همخوانی و همراهی دارند. در سال ۲۰۰۴ میلادی شورای امنیت سازمان ملل متحد قطع‌نامه‌ای را تحت عنوان «مقابله با منابع مالی بین‌المللی تروریسم» تصویب کرد که نوعی سند بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی به شمار می‌رود. این قطعنامه با اشاره به الگوهای اقتصادی برخی کشورها هم‌چون ترکیه، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را به پذیرش همکاری در قالب نوعی نظام اقتصاد لیبرالیستی تشویق می‌کند که با ارزش‌های اسلامی سازگار است (Henry and Wilson, 2004, 236).

«شفافیت اقتصادی» و «مقابله با تخلفات پول‌شویی» بین‌المللی، به ویژه تبادل اقتصادی و مالی با آن بخش از کشورها و گروه‌های تروریستی، که تحت پیگردها یا ممنوعیت‌های فصل هفتم منشور ملل متحد (به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت جهانی) قرار دارند، از جمله تأکیدهای انجام شده است. اما بزرگترین فساد مالی تاریخ ترکیه در شرایطی شکل گرفت، که با وجود چالش و فراقکنی متحدان سیاسی و فکری گولنیست ("فتح‌الله گولن" و دولت حزب " عدالت و توسعه " به رهبری " رجب طیب اردوغان ") افکار عمومی در دنیا و در ترکیه کلیت آن جریان را مورد انتقاد قرار داده است. گولنیسم و یا حداقل جریان سیاسی و دولت برخاسته از آن، از دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی که نخستین گام‌های حضور آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود را برداشت، با چنین شوکی مواجه نشده بود. تحولات سیاسی - انتخاباتی آینده نشان خواهد داد که موضع انتقادی و براثت‌جویانه گولن تا چه حد سرنوشت این جنبش را از دولت در حال سقوط حزب عدالت و توسعه جدا می‌کند. هر چند که وارثان کمالیسم از بهترین فرصت دو دهه‌ی اخیر خود برای احیای حضور و اقتدار سیاسی خود برخوردار شده‌اند.

رفتار اقتدارطلبانه، کاهش مدارا و تساهل سیاسی، اشتباهات راهبردی در داخل، فساد اقتصادی و جاه‌طلبی‌های خارجی دولت حزب اعتدال و توسعه، تحولاتی را دامن زد که برای دولت اردوغان مدیریت‌ناپذیر بود. سرکوب ناراضیان در پارک «گزی» میدان «تکسیم»، مداخله در تحولات خونین سوریه و مصر، همسویی با نظام‌های غیر دموکراتیک عرب منطقه و غفلت از سلامت اقتصاد داخلی و مبادلات بانکی، شرایطی را در ترکیه امروز ایجاد کرده است که با شاخص‌های مثبت سیاسی و دستاوردهای توسعه‌ای پنج سال پیش این دولت قابل قیاس نیست. لذا امروز در اروپا و آمریکا هشدار سال ۲۰۰۰ میلادی «بولنت اجویت» نخست وزیر لائیک

وقت ترکیه نسبت به حاکمیت تدریجی اسلام افراطی در پوشش الگوی لیبرالی آن، حامیانی جدی پیدا کرده است (Guardian, 2010). هر چند که فعال شدن گسل انتهای سال ۲۰۱۳ میلادی میان دو بخش فکری و عملی آموزش یافتگان در مدارس نوری‌ها (پروان شیخ سعید نوری) بسیاری از ارزش‌های بنیادی و مترقی این جنبش را آینده‌ای نامعلوم تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد. اما این آینده بدون تداوم حضور و نفوذ گولنیست‌ها قابل تحلیل نخواهد بود.

### نتیجه‌گیری

جنبش اسلام‌گرای فتح‌الله گولن یکی از مهمترین نمونه‌های تفکر اسلام‌گرای لیبرال در خاورمیانه است که آثار عملی آن در نظام سیاسی ترکیه و به ویژه حزب حاکم امروز این کشور، «حزب عدالت و توسعه» قابل انکار نیست. گولن و پیروانش سعی دارند جنبش دینی - سیاسی به نفع نوگرایی، پلورالیسم، لیبرالیسم و دموکراسی بدون فدا کردن تعالیم دینی و مقتضیات دولت ملی خود، مدیریت نمایند.

با توجه به تحلیل تاریخی اندیشه‌ها و رفتارهای سیاسی و اجتماعی جنبش نور از زمان نوری تا اکنون، می‌توان به این نتیجه رسید که این جنبش در طول زمان و با توجه به متن تحولات سیاسی و اجتماعی، از فردگرایی صوفیانه به فعالیت‌های مدنی و اجتماعی و سپس به اثرگذاری در حوزه‌ی سیاسی روی آورده است. مطالعه‌ی تحولات و رفتارهای فکری، مدنی و سیاسی شیخ سعید نوری و فتح‌الله گولن گویای این واقعیت است و این جریانی است که از «سعید قدیم» تا «سعید جدید» و «گولن شاگرد» تا «گولن رهبر» ادامه دارد. و از دل این تحولات فکری و رفتاری می‌توان به نقش تأثیرگذار جنبش نور بر مسیل اساسی جامعه‌ی ترکیه و حوزه‌ی سیاست خارجی این کشور از اختلافات قومی، سیاست، توسعه تا گرایش‌های احیاگر قدرت و نفوذ عثمانی سابق پی برد. هر چند که به میزان مواجهه‌ی این جریان با مقتضیات عملی حکومت و رفتار سیاسی، شکاف و اختلافات عمده‌ای میان دو حوزه‌ی مدنی و سیاسی جنبش شکل گرفته است.

توانایی این جنبش در آشتی دادن ارزش‌های اسلامی - سنتی با زندگی مدرن و علوم روز، مخاطبان گسترده‌ای را جذب نموده است. این گروه حتی اندیشه‌ها و افراد متفاوت شامل فقیر و غنی، تحصیل کرده و بی‌سواد، ترک و کرد و هم‌چنین مسلمان و غیر مسلمان را گرد هم آورده است و از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی با اتکا به چنین ظرفیت‌هایی توانسته است به

پدیده‌ای فراملی تبدیل شود. طرفداران آن معتقدند که جنبش گولن می‌تواند الگویی برای آینده‌ی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جنبش‌های اسلامی باشد. فتح‌الله گولن و جنبش فراگیر او به شدت تحت تأثیر اندیشه‌ها و تفکرات سیاسی - اسلامی سعید نوری بوده و به عبارتی چارچوب فکری را بر اساس آموزه‌های او شکل داده‌اند. بی‌شک علت اصلی این وام‌گیری فکری، نگاه شامل این متفکر جهان اسلام به سه مسأله‌ی اصلی زمانه‌ی او، و بعد از خود در دوران گولنیست‌ها بود: وحدت جهان اسلام، مقتضیات جامعه‌ی ترکیه و مسأله‌ی کردی.

«یاسین آکتنای» پژوهش‌گر برجسته‌ی مسائل ترکیه تأکید بر این موضوع است: "نورسی در کتاب‌هایش ترکیب بسیار مناسبی از عناصر فرهنگ مردمی، گفتمان‌های عرفانی، اسلام ارتدوکس و علم و عقلانیت را گسترش داده است."

نورسی در اصول و مفاهیمی چون نوسازی ترکیه و کل جهان اسلام از طریق وارد کردن علم و تکنولوژی غربی و عدم ضدیت دین و علم، پیشگام و الگوی گولنیست‌ها بوده است. در حقیقت ایده‌ی نورسی، رهایی آموزش سکولار از بی‌اعتقادی و آموزش مذهبی از تعصب بود که آن را در سایه‌ی آشتی ایمان و دانش پیگیری می‌نمود. گولن هم چون نورسی معتقد است که جامعه‌ی آزاد و دموکراتیک نیازمند معنویت بوده و این معنویت نیز نمی‌تواند بدون مذهب تأثیرگذار باشد. از دیگر اندیشه‌های شاخص نورسی که مورد احترام و تبعیت جنبش گولن قرار گرفته است اعتقاد به جدایی دوحوزه‌ی سیاست و دیانت از یکدیگر و استقلال و آزادی هر کدام از اقتدار دیگری بوده است. هرچند حزب عدالت و توسعه، که به عنوان بازوی سیاسی جنبش گولن شناخته می‌شود و گولن را پدرخوانده‌ی خود می‌نامند، اما این جنبش سعی بر آن دارد از دخالت مستقیم در امور این حزب و دولت برخاسته از آن اجتناب نماید. نگرانی آن‌ها این است که اسلام سیاسی بر اسلام اجتماعی مدنظر آن‌ها غلبه نموده و به همین خاطر فعالیت‌های دینی و فرهنگی آنان در داخل ترکیه، میان جمعیت ترک ساکن در غرب و سایر نقاط جهان محدود شود.

با این شرایط اختلاف و فعال‌شدن خط گسل میان روبرنای سیاسی مدیریتی و زیربنای فکری و ایدئولوژیک طرفداران نورسی در ترکیه آثار غیر قابل انکاری در این کشور اسلامی و منطقه‌ی خاورمیانه خواهد داشت. احزاب و جریان‌های لائیک در تحولات سیاسی آینده از فرصت‌های تازه‌ای برای احیای سیاسی و انتخاباتی برخوردار می‌شوند. این جریان در حوزه‌ی فکری، از شکاف به وجود آمده جهت تقویت فرضیه‌ی شکست اسلام سیاسی استفاده کرده و

در عین حال با تکیه به جنبه‌های قومی گولنیسم به دنبال استفاده‌ی انتخاباتی از شکاف میان جریان سیاسی رقیب در حزب عدالت و توسعه خواهد بود. حضور و مداخله‌ی خارجی دولت ترکیه به ویژه دخالت در روند بیداری اسلامی با محدودیت‌های بیشتر مواجه خواهد شد و سرانجام این که امکان وقفه و نوسان در توافقات سیاسی و اجرای صلح‌نامه‌ی دولت با کردها افزایش می‌یابد. گولنیسم نیز هم‌چون دیگر جریان‌ات ایدئولوژیک دنیای اسلام که با رشد ژرف خود منبع تحولاتی اساسی در ترکیه و دنیای اسلام شد، با عیان شدن شکاف‌ها و نوسانات داخلی آن، می‌تواند حوزه‌ی نفوذ خود را آستن تحولات ژرف دیگری نماید.

## منابع

## الف) فارسی

- یاووز، هاکان، (۱۳۹۲)، *هویت اسلامی در ترکیه‌ی معاصر*، ترجمه‌ی آزاد حاجی آقایی، تهران، نشر اشاره.
- موکسی، حمزه، (۱۳۹۱)، *ژیان‌نامه ماموستا نورسی*، تهران، نشر احسان.
- حه ییب، (۱۳۸۰)، *موحه مه دسه عید. زندگی نامه سعید نورسی*، ترجمه‌ی زاهد ویسی، تهران، نشر احسان.
- حه مه غه ریب، ته حسین، (۲۰۰۶)، *دواینه کان، سلیمانیه*، نشر یاد.
- نوورسی، سه عید، (۱۳۸۷)، *پاشبه نده کان*، تهران، نشر احسان.
- نوورسی، سه عید، (۱۳۹۱)، *مونا زه رات*، تهران، نشر احسان.
- نورالدین محمد، (۱۳۸۲)، *ترکیه، جمهوری سرگردان*، تهران، موسسه‌ی مطالعات اندیشه‌سازان نور.

## ب) انگلیسی

- Jenny Barbara White. (2002), *Islamist Mobilization in Turkey: a Study in Vernacular Politics*, University of Washington, pp 30'32.